



ایران

محتوای فرمان امام خمینی در بوته آزمایش

روزهایی که از صدور فرمان مهم امام خمینی رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گذشتناست، بیانات و اظهاراتی که بدین مناسبت از جانب مقامات مسئول و دولتمردان شده و فهرست اقدامات عملی، که توده محروم هم چنان در انتظار اعلام و انجام آن‌ها هستند، نشان می‌دهد که بسیاری چیزها در آینده، مربوط به نحوه تلفیق و برخورد مسئولان ملکتی با محتوای این پیام و چگونگی اجرای آن خواهد بود. سیل گفتارها و نوشتارها نکته‌ای را درباره اهمیت این فرمان فروگزار نگردناست. ولی تمام مسئله اینجاست، که با این فرمان مهم، که در صورت درک عمیق و مردمی از آن و در صورت اجرای سریع و قاطع و گسترده آن، می‌تواند نقش مهمی در سیر آینده حوادث در کشور داشته باشد، چگونه رفتار خواهد شد؟ همه این گفتارها و نوشتارها دونگه را به‌ویژه در برابر ما مطرح می‌کند:

نکته اول این‌که: آیا عمق و معنای این فرمان واقعا به مثابه مرحله‌ای در تکامل انقلاب و لزوم ایجاد آرامش و امنیت در جامعه، هم از نظر فردی و خصوصی و هم از نظر اجتماعی و سیاسی، بر شاووده حفظ قانونیت و تأمین آزادی و لگام زدن بر خودسری‌ها و قانون شکنی‌ها درنگ خواهد شد، که الزاما قطع ریشه‌های تجاوزات به حقوق فردی و اجتماعی تثبیت شده در قانون اساسی و وابستگی و غارت سرمایه‌داری بی‌پندوبار را به‌همراه خواهد داشت، یا این‌که تمام محتوای آن را در مثلا تریختن به‌خانه مردم، تندزیدن آلبوم خانوادگی و نگرفتن نوار و نشودن مکالمات تلفنی خصوصی و رفع توقیف از اموال متهمان به غارت مردم خلاصه خواهند کرد؟ و یا به بهانه این‌ها، مسائل اساسی مبارزه همه‌جانبه با غارتگری و تأمین آزادی اجتماعی و سیاسی را منسی خواهند کرد؟

نکته دوم این‌که: آیا هم چنان‌که متأسفانه در گذشته بارها اتفاق افتاده، همدارها، رهنمودها و فرامین سریع امام خمینی را با هیاهو و هورا استقبال خواهند کرد، ولی با فراموشی و برخوردی گذرا بدرقه خواهند نمود؟ زیرا هر قدر هم دامنه گفتارها و نوشتارها در حال حاضر وسیع باشد، تا مرحله اتخاذ تدابیر قاطع عملی فرا نرسد، خطر این‌که دست‌هایی فرمان امام خمینی را هم‌سخ و بدل به‌هیچ کنند، وجود خواهد داشت.

بنابراین، تعبیری که از فرمان امام خمینی خواهد شد و اجرای آن، بوته آزمایشی است که اکنون دست‌اندرکاران و دولتمردان از آن باید بگذرند.

این دونگه‌گره‌ها را، در تحلیل بی‌آمدهای فرمان امام خمینی و بررسی رویدادهایی که می‌توان و باید منتظر آن بود، باید در نظر داشت.

امام خمینی در یکی از سخنان اخیر، در توضیح فرمان، گفتند: "نه جاسوسی شود و تنبیش عقاید و ندکسی متجاهر به فسق شود... دیگر حال آرامش است. حال خدمت به مردم و جامعه است."

این سخنان به‌تکناول، به محتوای غنی و گسترده فرمان اشارت دارد و بیان آن ضرورت داشته‌است، زیرا آشکارا کوشش‌هایی دیده می‌شود در جهت سطحی کردن معنای فرمان و منحصر کردن آن به مسائل فرعی و دست دوم. امام خمینی خود جنبه سیاسی و اجتماعی فرمان را خاطر نشان می‌کنند و مرحله جدیدی را، که می‌بایست آغاز شود با محتوای خدمت به مردم نشان می‌دهند.

در سلسله مقالات مهم آقای محمد رضا حکیمی، منتشره در روزنامه کیهان، درباره معنا، ایجاد و اهمیت فرمان و آنچه که باید از اجرای عملی آن ناشی شود، چنین می‌خوانیم:

"کلمه و استعمار از جامعه رخت برهنند، محرومیت و استضعاف و تفاوت نابود شود و شخصیت حقیر شده انسانی بدو بازگردد." بین این تعبیر از پیام با تمام معنای اجتماعی - سیاسی آن و تعبیر سترون‌کننده و سطحی‌کننده آن تفاوتی ریشه‌ای وجود دارد و همه چیز وابسته بدانست‌که: آیا مسئله را به‌کدام تعبیر برداشت کنند؟

آقای ناطق نوری وزیر کشور می‌گوید: "چهار سال پس از انقلاب ما باید سعی کنیم جامعه به‌روال معادلی خودش بازگردد." وی ادامه می‌دهد: "مردم باید احساس امنیت اجتماعی کنند." و سپس

افزوده می‌کند: "و بدنبال این امنیت سیاسی هم موجود بیاید. بین این برداشت، با برداشتی که کار را به‌ظواهر محدود کند و با صدور چندبخشنامه و احیانا رفع برخی مزاحمت‌های فردی و خانوادگی، سرونه قضیه را بهم آورد، تفاوتی اصولی وجود دارد. آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید: "همه ما باید فرمان امام را خیلی مهم و جدی تلقی کنیم و پشتش بایستیم تا این مرحله را تحقق بخشیم."

راز پوشیده‌های نیست که بسیاری فرمان را "جدی نمی‌گیرند و آن را یک "مرحله" تلقی نمی‌کنند. آقای انصاری نماینده مجلس یکی از جنبه‌های سیاسی فرمان را خاطر نشان می‌سازد و می‌گوید: "تنگ‌نظری‌هایی که عده‌ای اعمال می‌کردند، موجب شده بود که به‌سرعت دوستان نسبی انقلاب و احیانا افراد بی‌تفاوت، که می‌شد آن‌ها را دوست انقلاب کرد، به سرعت به‌سوی ضدانقلاب و چرکه آن‌ها سوق داده شوند."

برخی‌ها برای نشان دادن محتوای واقعی فرمان و کوشش جریان‌بانات مخالف خط امیل انقلابی در جهت بی‌محتوا کردن آن، از ضربت‌المثل‌های قدیمی استفاده می‌کنند. آقای نوروزی نماینده مجلس همدان می‌دهد که: "گوش اگر گوش ما و ناله اگر ناله امام باشد... و سپس به‌سوابق موجود تکیه می‌کند. و کیهان، یادآوری می‌کند که: بعضی‌ها داستان "گی بود گی بود من نبودم" را احیا کرده‌اند. این درباره نکته اول.

و اما درباره نکته دوم، یعنی اجرا شدن و به عمل درآمدن فرمان، صراحتا باید گفت که پشت‌کوشی انداختن و تعلل، تشویقاتی کردن و به‌فراموشی سپردن، خطری است که به‌واقع هم فرمان را تهدید می‌کند.

آیت‌الله‌المظفر منتظری در سخنان خود خواستار "عمل، شعار و مصاحبه" شده و گفته است: "کار کنند تا امید مردم به یاس بدل نشود."

آقای موسوی نخست‌وزیر گفته است: "اگر (اجرای فرمان) با قاطعیت و سرعت صورت گیرد، نقطه عطفی خواهد بود. آقای وزیر کشور می‌گوید: "فرمان امام باید به‌طور دقیق به اجرا درآید."

نمایندگان مجلس، که در گذشته بارها شاهد عدم اجرای پیام‌ها و فرامین امام خمینی بوده‌اند، در زمینه اجرا و عمل هشدارها داده‌اند. مصاحبه‌های آنان را روزنامه اطلاعات با عنوان کلی: "اجازه نمی‌دهیم اجرای پیام امام پس از چند صباح فراموش شود"، چاپ کرده است.

آقای منتجب‌نیا می‌گوید: "بعد از صدور چنین پیام‌هایی موجی از استقبال و حمایت از هر سوره می‌افتد، ولی متأسفانه با گذشت چند روز محتوای آن بقدرت فراموشی سپرده می‌شود. آقای فاضل‌هرندی هشدار می‌دهد، که مبادا "ملت حس کند که بعد از یک‌ماه و دو ماه، که از این پیام گذشت، اثر عملی این پیام در کوچه و بازار و در دوایر دولتی دیده نشود. آقای انصاری می‌گوید: "نگذارید این پیام امام به فراموشی سپرده شود."

آقای رضوانی می‌گوید: "آنرا به‌صورت شعار سراغ‌مکان‌نماها قرار ندهید."

آقای هادی‌خامن‌ای می‌گوید: "مسئولان تنها به صدور بخشنامه به‌مسئولان پایین‌تر و تشکیل جلسات و کمیسیون‌ها اکتفا نکنند و به جای گفتار به‌کردار بپردازند."

چرا این سخنان زده می‌شود و این هشدارها داده می‌شود؟ زیرا که متأسفانه در گذشته چنین بوده و خطر تکرار وجود دارد. عمل، میزان است و در مرحله اجراست که، پس از داشتن یک تعبیر عمیق و درست، مسئولان و دولتمردان از بوته آزمایش می‌گذرند.

از مطبوعات نیز نمونه‌هایی آوریم: صحیح‌آزادگان می‌نویسد: "آن چه پیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد، عمل به آن و منطبق کردن عملگردها با چنین فرامین است. و کیهان مشاهده می‌کند، که روش "گرد و غبار و سروصدا و شیوه‌های جنجالی و ژورنالیستی" در قبالی فرمان امام خمینی به‌رافتاده است. این هم درباره نکته دوم.

فرک این دونگه و تحلیل رویدادهایی که پس از صدور فرمان امام خمینی گذشته، نشان می‌دهد که درباره فرمان یک‌صحنه نبرد جدی تازه بین پیروان راستین خط امام خمینی و تمام طیف مخالفان تعقیق و پیشرفت انقلاب و گذار آن به مرحله‌ای جدید، کشنده شده است. رویارویی جدی بر سر تعبیر محتوا و معنای فرمان و وظایفی که متوجه دستگاه حکومتی است و بر سر اجرا و عملی ساختن با به فراموشی سپردن آن آغاز شده است. همانند سایر عرصه‌های نبرد "خط‌ها"، همانند نبرد بر سر مسئله دولتی کردن بازرگانی خارجی و میدان دادن به سرمایه‌داری غارتگر، بر سر مسئله اصلاحات ارضی و باقی گذاشتن بزرگ مالکی، بر سر مسئله قانون کار و حق کنی از طبقه کارگر، بر سر مسئله مالکیت و تعیین حدود بخش خصوصی و نسبت آن با بخش‌های دولتی و تعاونی و در نتیجه راه آینده تکامل مهن ما، بر سر مسئله آزادی‌های دموکراتیک و از جمله حق فعالیت آزاد سیاسی

فرمان امام خمینی به راه افتاده است. این هم درباره نکته

رک این در نکته و تحلیل رویدادهایی که پس از صدور فرمان خمینی گذشته، نشان می‌دهد که درباره فرمان یک‌صحنه نبود. تازه بین پیروان راستین خط امام خمینی و تمام طیف مخالفان شیخ و پیروان انقلاب و گذار آن به مرحله جدید، کشیده شده است. رویارویی جدی بر سر تعبیر محتوا و معنای فرمان و وظایفی که مترجم دستگاه حکومتی است و بر سر اجرا و عملی ساختن یا به فراموشی سپردن آن آغاز شده است. همانند سایر عرصه‌های نبرد "خط" ها، همانند نبرد بر سر مسئله دولتی کردن بازوگانی خارجی و میدان دادن به سرمایه‌داری غارتگر، بر سر اصلاحات ارضی و باقی گذاشتن بزرگ مالکی، بر سر مسئله قانون کار و حق کنشی از طبقه کارگر، بر سر مسئله مالکیت و تعیین حدود بخش خصوصی و نسبت آن با بخش‌های دولتی و تعاونی و در نتیجه راه آینده تکامل مبین ما، بر سر مسئله آزادی‌های دموکراتیک و از جمله حق فعالیت آزاد سیاسی اجزای طرفدار انقلاب و قانون اساسی و بسیاری عرصه‌های دیگر، فر این جا نیز سرنوشت فرمان امام خمینی، در واقع، وابسته است به نتیجه یک نبرد جدی و پربدامنه.

ما تودم‌های ما در این صحنه نبرد نیز، همانند سایر عرصه‌ها، ناظر به طرف نیستیم. ما جانب انقلاب و خطی را که تائید می‌کنیم و خطی را که رد می‌کنیم و عملی شدن آن در همه سطوح فردی - خصوصی و اجتماعی - سیاسی و گسترش آن بزمین‌های روستایی طیفی است، می‌گیریم. وظیفه ماست که اهمیت این صحنه تازه نبود را برای همگان توضیح دهیم. مردم را در بونه عمل و آزمایش با برخوردن ما و تعبیرهای مختلف نسبت به آن آگاه کنیم و آنان را در دفاع از منافع انقلاب و پیشبرد خواست‌های اساسی خویش بسیج کنیم. وظیفه ماست که با پیگیری فعالیت‌های آراگان‌ها و نهادها و موضع‌گیری شخصیت‌ها و دولت‌پروران و اقدامات ستاد مرکزی پیگیری فرمان امام را، که در این هفته تشکیل شده و رسوای بازرسی کل کشور و دیوان عدالت و وزاری کشور و مشاوران امور اجرایی را دربر- می‌گیرد، تطبیق کنیم.

دستور امام خمینی، که تصمیحات "ستاد" می‌تواند به اکثریت آراء اتخاذ شود و اعلام تصمصیم اخیر "ستاد"، که چندین نفر از مسئولان مختلف نه دادگاه احضار شده‌اند، نخستین علامت آغاز رفاقت و ساعت و عمق همین تصمیم و نتایج آن اولین محک خواهد بود. تفاوت‌های خود را بر توالی داده‌اند چه عملی می‌شود، آن چه مرحله اجرا درمی‌آید، استوار کنیم و همگان را برای خدمت در این راه و مشارکت فعال برای نتیجه بخشیدن، عملی شدن و اجرایشدن نکات یاد شده، بسیج نماییم. رفاقت در این زمینه به پرسش و پاسخ ۲۷ آذر ۱۳۶۱ رفیق گیانوری دقیقاً توجه کنند.

یک مملکت عمده: جلوگیری از تئودوندا حاکم شدن سرمایه‌داری

انقلاب بزرگ یا با جلوگیری از رشد سرمایه‌داری و تثبیت شدن آن و در نهایت جلوگیری از حاکم شدن آن روبرو تکامل سالم خواهد نهاد و با ظهور نظام منکی به بهره‌گوشی، ستم و فساد سرمایه‌داری و به تبع آن وابستگی به امپریالیسم خواهد شد. در هفته گذشته، این دوره‌های حیاتی، به بزرگ‌ت و اقیامت سرسخت و به همین پیام امام خمینی و موضع‌گیری درباره آن، با صراحتی بیش از همیشه نمایان گردید، در خدمت به جامعه و مردم، که گام امام خمینی از آن نام می‌برند، جز از راه محدود کردن و به بند کشیدن دشمن مردم و جامعه، که همان نظام سرمایه‌داری است، امکان پذیر نیست. جدی‌ترین و اصلی‌ترین مفسرین مرحله تازه‌ای که باید آغاز شود، همین مسئله را پیش کشیده‌اند و اساسی‌ترین خواست‌های مردم زحمتکش ما هم در همین عرصه تجلی می‌کند.

استاد محترم امام خمینی در توضیح این که حکومت چگونه باید باشد و با چه تعبیری باید با فرمان امام خمینی برخورد کرد، چنین می‌نویسد: رسیدگی دقیق و همه‌جانبه به محرومان و ناتوانان، کوییدن سرسختانه به هروری و نگرانی طبقاتی و سرمایه‌داری... دخالت در رسیدن حق طبقات زحمتکش و شیفته اجتماع... قرارداد شدن دولت و حاکمیت به طور کلی در جانب ضعیفان و محرومان... اگر نفوذ عوامل سرمایه -

واقعیات و از جمله رویدادهای همین هفته ثابت می‌کند، که حق کلا با اوست. در این هفته مصالحه با حجت‌الاسلام برهانی، معاون دادسرای انقلاب اسلامی و ویژه امور صنفی، منتشر شد کفکی آن وی از "شوم‌های کلا" در کمال توزیع " و از "یکسری افراد در سطح بالا، که که دارند به خون شیدا خیانت می‌کنند" صحبت کرد. او تصویب کرد که: " از مظاهر پیام امام مسئله تروریست‌های اقتصادی است" و اضافه کرد: " یکصد سرمایه‌داران زانوفت دارند نقشه می‌کشند چگونه مردم را غارت کنند. تروریست‌های اقتصادی متعلق - آفرین و ضدانقلاب آفرین هستند. وقتی در یک نقطه کشور نیکی اقتصاد کشور را به دست چهره‌ها سرمایه‌دار بدهند، سراز ر شوهای

کلا در می‌آورد... زانوفت‌ها ناامنی در کشور ایجاد کرده‌اند. این ناامنی اقتصادی را نباید کوچک گرفت.

به سخنان استاد حکمی از حوزه علمیه و حجت‌الاسلام برهانی دقت کنید. ما به تصمیم از آن‌ها یاد کردیم. تا رفاقت هم به اصل آن‌ها رجوع کنند و هم در نظر داشته باشند که در بحث‌ها و روشنگری‌های خود می‌توانند وسیعاً به آن‌ها و نظایر آن‌ها استناد جویند و تعبیر درست و خط‌امامی را از مسائل ریشم‌ای، توسط مسلمانان انقلابی، به‌صورت مردم معرفی کنند.

آقای برهانی در سخنان خود از "فردی" مثال می‌آورد، که در دادگاه ویژه پیونده دارد و جز بزرگ‌ترین واردکنندگان آهن بوده و تنها در سال‌های ۵۹ و ۶۰ مقدار ۲/۵ میلیارد تومان آهن در بازار آهن فروخته است. (درست خوانده‌اید: ۲/۵ میلیارد تومان!) - یک "خط" است. که این آوارگ‌کننده و هم‌پالکی‌های وی هم چنان میلیارد میلیارد سالانه پول یارو کنند و بازگانی خارجی دولتی نباشد، یک "خط" دیگر هم می‌خواهد "نفوذ عوامل سرمایه‌داری نباشد، تا کارها درست شود.

سؤال به حق: زایدی می‌شود که: آیا" فقهی کردن بازگانی خارجی - اصطلاحی که آقای وزیر بازگانی این هفته به کار برد و با حروف درشت در روزنامه چاپ شد - حجابی شرعی بر سطح قانون دولتی کردن بازگانی خارجی نخواهد شد؟ و آیا با چنین برخوردی، فرمان امام خمینی، محتوایی پیدا خواهد کرد؟

به سخن آقای برهانی بازگردیم که در مصاحبه مطبوعاتی خود افشاکری می‌کند: " تا حالا از گوشه‌گزار توصیه‌هایی داشتم و تحت فشار قرار گرفته بودیم، اما از امروز از هیچ مقامی توصیه نمی‌پذیریم. وی از "تخلیفین در سطح بالا از لحاظ شخصیت حقوقی یاد کرد و از "چند تن از کارکنان وزارت بازگانی، که به جرم گرفتن رشو و منحرف کردن کالا از مسیر توزیع و در جریان انداختن آن در بازار سیاه تحت تعقیب هستند" صحبت کرد.

سرمایه‌داری همیشه و بی‌بر برگرد همزادان خویش - غارت و فساد و رشوه و انحراف و زدو بند با مقامات دولتی در سطح بالا و خیانت - را به همراه می‌آورد. سرمایه‌داری اگر اسلام‌نمایی هم بکند و زیرنقاب شرع هم پنهان شود، باز جز این، فطرتی و شمیری نخواهد داشت.

این خجالت‌الاسلام برهانی است که می‌گوید: " اگر این زانو - صفات احساس آرایش کنند، در آینده ضربات کوبنده‌تری به انقلاب خواهند خورد. " و این روزنامه کیهان است که در سرمقاله خود می‌نویسد:

" جامعه‌اسلامی می‌تواند بی‌با دورانی‌های پر مشکل و سخت‌تر باشد سر گذاشته و مقاوم‌های سیاسی و نظامی و فرهنگی عوامل ضد انقلاب را درهم شکستند است، ولی... باید متذکر شد که در مسائل اقتصادی هنوز آن طور که باید و شاید تثبیت نیافته‌است و این معقول و با سنگی صنعت و بازار تجارت ما به سرمایه‌داری جهانی است.

اهمیت مسئله و انتخاب بین تئودونی و حاکمیت سرمایه‌داری یا محدود کردن و محصور کردن آن توسط نظارت دولت و بخش‌های دولتی و تعاونی، دیگر یک مسئله نظری نیست، مسئله روز ما - مسئله مردم و حیاتی ما، مسئله مردم انقلاب‌ماست.

در همین هفته آقای مهدی طیب نمایندند ناآیین در نطق پیش از دستور خود نمونه زیر را ذکر کرد:

" آقایان (در وزارت بازگانی) برای تجارت آهن تهران سوسید از صبه دولت می‌پردازند... شرکت تعاونی اسلامی به مدیریت عاملی آقای علی اکبر پوراستاد (همان کسی که کاندیدای حزب جمهوری اسلامی از تهران بود و یک میلیون و چند صد هزار رای به‌نامش خوانده شد و صفعات پرتکاری از چرایه را اعلانات انتخاباتی وی سیاه کرده بود) دفتر نوپت از آهن است. نوپت آهن که می‌دادند، ردیف یک و دو را دادند، ردیف سه را خالی گذاشتند... ۴ و ۵ را دادند، ۶ را خالی گذاشتند. همین طور در همه صفحات این نوپت‌ها خالی است تا بعد این نوپت‌ها را به چندین هزار تومان (و با چه اهمیت‌هایی زنی می‌انیم، اشخاص بفروشند... طبق صورت‌جلسه‌های وزارت بازگانی به جای

حد اکثر ۱۱/۵ تن آهن که به مرتضانی حد اکثر می‌توانست بدهند، ۱۶ تن، ۲۰ تن، ۴۰ تن و ۹۰ تن طبق دفتر خود شرکت تعاونی آقای علی اکبر پوراستاد تحویل دادند... سینه‌های آهن با حواله‌های جعلی صادر شده، که اسلا جواز ساختاری پشت سرش نیست و ظنوم نیست این آهن‌های ۹۰ تن و ۱۰۰ تن کجا رفته. مسئله بعد، در خود شرکت آقای پوراستاد بین اعفاء تخمینی قائی شده‌اند به بعضی‌ها یک با دو نوپت در شش ماه اول دادند، به بعضی‌ها تا هفت نوپت. اینها علی تکونیک دفتر خود آن‌ها است مسئله بعد این که، برایم آقای علی اکبر پوراستاد همین الان در دادسرای امور صنفی مطرح است و وارد تعقیب قضایی می‌شود - و انشالله روش خواهد شد.

همه اینها هیچ تعجبی ندارد. تا سرمایه‌داری باشد، فساد و فریب و فتنه و فسق و فجور هم هست. در "سطح بالا" هم خواهد بود و انقلاب را هم مسح خواهد کرد.

آقای برهانی گفته است: " از بدو انقلاب تاکنون، یعنی طی چهار

سال، میزان کل جرائم نقدی دریافتی از متخلفان به یک میلیارد و دوپست میلیون تومان می‌رسد، که کمتر از میزان فروش فقط یک تاجر است، که طی دوسال در بازار سیاه به دست آورده است."

یک تاجر در دوسال بیش از تمامی دولت یک ملت چهار سال!

نمونه دیگر این هفته، مسئله بیاز است. نایابی و گرانی بیازها در سال پیش همه به باد دارند. اسامی، تا همین اواخر، قیمت بیاز (محمول عمده) ۱۵۰ روستای اطراف (نیز) بر اثر فعالیت شورای ایلجیحی و حمایت سپاه پاسداران، ۴۰ ریال بود. اما دلان و سلفه خزان و تمامی باند کلا سرمایه‌داران به تکاپو افتادند و توانستند قیمت بیاز را برای دهقان تولیدکننده به ۱ ریال پایین آورند. و کاری کردند که بیش از ۵۰٪ محصول زوی دست دهقان باقی بماند. از یک سو چند میلیون دلار از وی، که می‌توانست از طریق صدور بیاز به دست آید، و از سوی دیگر زندگی دهها هزار خانواده دهقان تولیدکننده تباه شد. ولی یکمست دلال و سرمایه‌دار به سود سرشار رسیدند و بر "بازار" بیاز حاکم شدند.

این هم از طبیعت سرمایه‌داری بر می‌خیزد و تعجبی ندارد. آنچه شکست انگیز است، این که پس از انقلاب و توسط محافظی در وزارت بازگانی است، که از آهن تا بیاز، همه چیز ملعیه سودجویی‌های سرمایه‌داران می‌شود و مانع خدمت به جامعه و به مردم، که امام خمینی بران تأکید می‌کنند.

همین هفته اعلام شد که ده خانه نیمی متعلق به "کوله" و سایر ضدانقلابیون مسلح کشف شد. در این خانه‌ها از جمله "سایل جمل پاسپورت که سرمایه‌داران را به طور غیرقانونی از مرزهای کشور خارج می‌کرد و در ازاء هر فرد یک صد هزار تومان دریافت می‌کرد"، یافت شد. اینها فقط چند نمونه از "مکملرد" غارتگران و بیدون کنترل سرمایه‌داری در قفقز یک هفته اخیر است، که فاش شده. کلا دارد هشدار تکان-دهنده است. استاد حکمی را باز گو کنیم، که در مقاله مهم خود می‌نویسد:

" من در همین جا خطر عظیم سرمایه‌داری را، که مجدداً می‌خواهد در مملکت نفخ بگیرد، گوشزد می‌کنم.

هشاری تسلط به این خطر و جلوگیری از فربه شدن و حاکم شدن سرمایه یک مملکت عمده است: مملکت برای تشخیص "خط" ها، مملکت برای صداقت و واصلیت، مملکت برای تعبیر انقلابی و اجرای دقیق فرمان امام خمینی، مملکت برای خط سیر آینده کشور"

قانون کار باید بر اساس حقوق مسلم کارگران و قانون اساسی و ایجاد محدودیت برای سرمایه‌داران تدوین شود.

در این هفته پیش‌نویس کذایی قانون کار - دست‌نخست آقایان توکلی و معتدرفضایی و همکاران - رسماً در جریان انتشار یافت و آقای وزیر کار یک مصاحبه مطبوعاتی هم ترتیب داد. بدین ترتیب، یاد دیگر مسئله قانون کار، که یکی از قوانین گرهی و بنیادی است، در سطح جامعه مطرح شد. تاکنون فقط کارفرمایان و وسیعاً به پیش‌نویس دسترسی داشتند و فقط برخی محافظ کارگری استثنا با آن آشنا شده بودند. این متن از کارگران پنهان نگاه داشته شده بود و تنها انعکاسی از آن در محافل بیدار کارگری با زبان یافته و موجب آن همه اعتراض و وحی-طلبی شده بود. اینک که متن پیش‌نویس منتشر شده، معلوم می‌شود که قدر کارگران حق دانسته‌اند، که تدوین یک قانون جدید بر نالدیده به کلی توئی را خواستار شوند.

مطالعه پیش‌نویس نشان می‌دهد، که از نظر ارتجاعی بودن و ضد کارگری بودن و دفاع از سرمایه‌داری، این سند در نوع خود بی‌نظیر است. توصیه می‌کنیم که همه رفاقی این پیش‌نویس و همچنین مصاحبه آقای توکلی را در جراید این هفته بخوانند، زیرا این متون کلاما گویا و خودافشاکرانه و سنده بی‌تردیدی برای آگاه‌ساختن کارگران و روشن کردن ماهیت اقدام کارگرسیز وزارت کار و آشنایی با توطئه علیه حقوق قانونی کارگران است.

مطالعه پیش‌نویس ثابت می‌کند که:

- (۱) این متن ارتجاعی است و روابط بین "کارپذیر" و صاحب‌کار را به صدسال پیش، به قرون وسطی و حتی (توسط ماده ۲۵) که کارفرما می‌تواند کارگر خود را به کارفرمای دیگری واگذارد (که ۱) به دوران برده‌داری به معنی می‌برد. بنابراین، پیش‌نویس به کلی به سود سرمایه‌داران و به زیان انقلاب و آفاق‌های تحول‌بخش و امیدآفرین است.
- (۲) این متن حقوقی‌را، که کارگران ایران طی بیش از ۵۰ سال مبارزه علیه نظام سلطنتی و سرمایه‌داری به دست آورده بودند، با بیال می‌کند و به طور کامل این حقوق مسلم را نادیده می‌انگارد. بنابراین، پیش‌نویس به سود سرمایه‌داران و مخالف با مصالح انقلاب و ستون فقرات آن - طبقه کارگر است.
- (۳) این متن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با حقوق جدیدی که، انقلاب برای آنها بسای فراتر از دستاوردهای طبقه کارگر در گذشته، به همراه آورده، مغایرت صریح دارد و نقض آشکار و گستاخانه قانون اساسی ما و اهداف انقلاب‌ماست. بنابراین، پیش‌نویس به سود سرمایه‌داران و مغایر با مصالح انقلاب و امر تحکیم و تعمیق آن است.
- (۴) این متن حق شکل کارگران زحمتکش‌را، که از ارکان حقوق

کارگران است و طبقه کارگر مبارزی تحصیل آن قربان‌ها داده و مبارزات جانانه کرده است، نادیده می‌انگارد، طبقه کارگر قهرمان ما با مشارکت وسیع خود در جریان انقلاب ایران، ولی حاکمی خود را در اصل ۲۶ قانون اساسی تسجیل و تثبیت کرد، ولی اعلامی خواهند کارگران را خلع سلاح کنند. بنابراین، پیش‌نویس به سود سرمایه‌داران و به زیان میلیون‌ها زحمتکش و دستاوردهای انقلاب است.

(۵) این متن یک هدف خوابکارانه سیاسی را تعقیب می‌کند و آن مابوس کردن کارگران از انقلاب و ناراضی‌ترانی است. پیش‌نویس به انتظارات حقه کارگران پاسخ نمی‌دهد و می‌گوید، تا در پایگاه‌های انقلاب خلل وارد سازد بنابراین، پیش‌نویس به سود کلا سرمایه‌داران است. این پایگاه‌ها ضد انقلاب، و به زیان انقلاب و امر پیشرفت و گسترش آن است. اکنون که پیش‌نویس منتشر شده، وظیفه همه رفاقی و هواداران است، که به مسئولیت خفیه خود در دفاع از انقلاب و از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران و از قانون اساسی و از حقوق حقه زحمتکش توجیه کنند و در همه جا، از کوچکترین واحد تولیدی گرفته تا بزرگترین آنها، از گروه‌هایی‌های خناسودگی گرفته تا مجامع کارگری، در سطح مختلف، به وظیفه انقلابی خود عمل کنند.

برای آن که به انقلاب زبان نرسد و دستاوردهای آن حفظ شود و قانون اساسی گزندناپذیر شود، کارگران اعتراض وسیع و آگاهانه خود را علیه پیش‌نویس کذایی و به خاطر تدوین یک قانون کار انقلابی و مدافع حقوق کارگران سازمان می‌دهند. کارگران برای تدوین قانون کار مورد نظر خود و مورد نیاز جامعه انقلابی ما، مسائل مربوط به قانون کار را در محیط‌های کارگری مطرح می‌کنند و نظریات خود را از طریق شکل‌های کارگری، نظیر شوراهای، انجمن‌ها، کانون‌ها، سندیکاها و غیره ارائه می‌دهند. کارگران خواهان تشکیل کنفرانس استانی و سپس کنفرانسه سراسری هستند، تا زمینه واقعی مشارکت آنان در تدوین اصول قانون کار فراهم آید. این اصول، آنگاه که در اختیار ارگان‌های حاکمیت و مراکز مقننه و اجرائیه قرار گیرد، می‌تواند شالوده متن قانون کار باشد. انقلاب قرار گیرد. ضمن بیمودن چنین راهی، شرکت فعال و موثر هر کارگر و هر مجامع کارگری در وسیع ترین سطح است. رویدادهای این هفته و توجه دقیق کارگران به این مسئله ادامه بحث‌ها در کارخانه‌ها و مراکز تجمع کارگری و در کانون‌ها، ارسال نامه‌ها و طومارها، جلسات مذاکره شفاهی کوچک و بزرگ، جلسات متعدد شوراهای و سندیکاها، و افکاش سریع کارگران نسبت به پیش‌نویس و اعتراض به اقدامات وزارت کار - همه گواه امکانات گسترده و تشویق‌های گوناگون فعالیت کارگران است.

کارگران دیگر به تصمیحات پنهانی تن در نمی‌دهند. در "کانون هماهنگی شوراهای ناحیه جنوب تهران" یکی از کارگران گفت: " باید اصل ۲۶ قانون اساسی رعایت شود و شوراها و انجمن‌های صنفی باید در همه زمینه‌ها نظارت کامل داشته باشند". کارگران پیشنهاد کردند: " کمیونی برای جمع‌آوری پیشنهادها و نظریات کارگران تشکیل شود". آنها از سیاست وزارت کار به شدت انتقاد کردند و گفتند: " آنها حق ندارند پشت درهای بسته برای کارگران قانون تدوین کنند. باید در این امور مجلس و دولت با ما مشورت کنند."

در محافل مختلف کارگری، گفته‌های آقای توکلی مبنی بر این که: " بیهوده‌ها می‌باشند چنانچه می‌گویند که حق کارکنان کارگاهی ندارد" و " در مورد کارگانی که به بنی بلوغ نرسیده‌اند، قرارداد را با خود کارگر (کودک) بسته نمی‌شود، بلکه با ولی او بسته می‌شود" او اگر در قرارداد قيد نشود، شوراها حق کوچکترین دخالتی در این امور را ندارند" و بالاخره در پاسخ به این سؤال که: نظرتان درباره مسائل مستحدثه چیست؟ - این مطالب به موشافها مدام است.

اعتراضی و نگرانی کارگران را برانگیخته است. عمیقاً ضد کارگری و ضد ستکار سرمایه‌داری پیش‌نویس قانون کار را بیرون می‌آورد. بسیاری از انجمن‌های اسلامی هم در سازماندهی اعتراض کارگران شرکت می‌کنند. به اجاست که نوشته‌های براهیت استاد محمد رضاحکمی را در همین هفته، که در کنار متن پیش‌نویس چاپ شد، خاطر نشان کنیم، که:

" وقتی پیش‌نویس قانون کار از آن دست است که دیدیم، نمی‌توان فکر کرد کشور چغفرین محمد (ع) است. عجا که رفتم رفته چطور تعالیم امام خمینی را هم به دست آوردی می‌سپارند. این همه تنجلی که امام از طبقه شریف و زحمتکش کارگر کرده‌اند، حاصلش همین است؟ آیا اگر دشمنان به ما بگویند که آنچه درباره محرومان و زحمتکش می‌گویید تعارف است و در مقام قانونگذاری و مسائل جدی بهایی به این مسائل نمی‌دیدید، چه خواهیم گفت؟... و چرا این قدر دفاع از توانگران، و اهان جانب محرومان چرا؟... من باید در مملکت چغفری در قانون کار جانب کارگران گرفته نشود... من در همین جا خطر عظیم سرمایه‌داری را، که مجدداً می‌خواهد در مملکت نفخ بگیرد، گوشزد می‌کنم.

آقای حکمی از استاید با سابقه حوزه علمیه است، ولی آقای توکلی می‌گوید: انتقادات قابل‌تعمق نیست (؟) و " بخصوص مارکسیست‌ها مدعی هستند. روشن است که تا چنانچه اندازه این مسئله، با دو مسئله دیگر مهم این هفته - تعبیر مردمی و اجرای عملی فرمان امام خمینی و مسئله سرمایه‌داری و خطری که از جانب آن انقلاب را تهدید می‌کند - بیرون زدنیک دارد،

جهان

شصتین سالروز تاسیس اتحاد شوروی

هفته گذشته خلق‌های اتحاد شوروی شصتین سالروز اتحاد خود را در یک دولت نوینپاد سوسیالیستی جشن گرفتند. تشکیل این دولت قبل از هر چیز پاسخی بود، که ملت‌های آزاد شده از ستم سرمایه‌داری، به توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی برای از بین بردن نظام نوین سوسیالیستی می‌دادند. تجربه پنج‌سالگی که از انقلاب اکتبر می‌گذشت، پنج‌سالگی که براز جنگ‌ها و سداخله‌ها، تحریک‌ها و توطئه‌ها، محاسره‌های اقتصادی، تهدیدها و خرابکاری‌های دائمی بود، به همه خلق‌هایی که پس از سقوط رژیم سرمایه‌داری در روسیه به آزادی و استقلال واقعی رسیده بودند، این حقیقت را فهمانده بود، که نبرد طولانی با دنیای کهن استعمار و ستم در پیش‌دارند، که تنها با گرد آوردن تمام نیروهای خود را به سازمان دولتی واحد می‌توانند آن را به پیروزی برسانند و نظام نوپای سوسیالیستی را در برابر تعرض بی‌امان دنیای سرمایه‌داری، که هنوز به مراتب نیرومندتر و پیشرفته‌تر بود، حفظ کنند.

انقلاب سوسیالیستی در کشور پیروز شده بود، که در آن دهها ملت و قوم با زبان، دین، عادات و رسوم و سطوح تمدن و فرهنگ مختلف، از دوربان پدرسالاری و چوپانی گرفته تا نظام پیشرفته صنعتی سرمایه‌داری، زندگی می‌کردند، کشوری که در یک گوشه از آن از یکجا و فرقی‌زها و سایر خلق‌های آسیایی با ۹۵ درصد بی‌سواد می‌زیستند و در گوشه دیگر روس‌ها و سایر خلق‌های اروپایی به سطح نسبتاً بالایی از دانش و فرهنگ ماصر دست یافته بودند، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تمام این خلق‌ها را در مجموعه واحدی گرد می‌آورد و می‌بایستی از آنان شهروندان برابر حقوق یک دولت سوسیالیستی در بالاترین سطح تمدن و فرهنگ بتری می‌ساخت.

تشکیل این اتحاد هزاران مسئله با خود به همراه آورده بود: آیا در کشوری با این ترکیب، با این اختلافات فاضی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، می‌توان جامعه سوسیالیستی بنا کرد؟ چگونه می‌توان فرهنگ نوین خلق‌های اروپایی اتحاد شوروی را با فرهنگ غنی و کهن خلق‌های خاوری گره زد و از آن یک فرهنگ نوین سوسیالیستی، که در برگیرنده بالاترین ارزش‌های تمدن انسانی در تمام طول تاریخ رشد آن باشد، به وجود آورد؟ سرنوشت خلق‌های عقب‌مانده‌ای، که برخی از آنان حتی هنوز به زبان مادری خودشان یک نظر کتابت نداشتند، چه خواهد شد و چگونه آنان در یک شب ره ضدساله زا می خواهند کرد و از فراز تمام مراحل که خلق‌های دیگر گذشتانند، خواهد جست و در کنار خلق‌های پیشرفته جای خواهند گرفت؟ دولت نوینپاد سوسیالیستی با کدام معجزه آن همه عقب‌ماندگی مادری و جنوی شهروندان خویش را از میان بر خواهد داشت؟

امروز پاسخ تمام این پرسش‌ها در دست است. اما در آن روزها همه آنها حکم معما را داشت. تنها لیکن وحزش بودند که از همان آغاز تاسیس اتحاد شوروی، آینده تابناک کنونی آن را به روشنی می‌دیدند و با جسارت انقلابی در راه تحقق آن گام بر می‌داشتند؛ لیکن می‌بوخت، که در درون نظام سوسیالیستی امکاناتی نهفته است، که آن را نمی‌توان با ضوابط و معیارهایی که نظام سرمایه‌داری به‌دست می‌دهد، مقایسه نمود. کارنامه شصت‌سالگی که تا تاسیس اتحاد شوروی می‌گذرد، درستی این حرف نپس را به صدها بار به اثبات رسانده است. در آن روز که اتحاد شوروی تاسیس و خود را اعلام کرد، تمام تولید صنعتی اش بیش از ۳-۴ درصد تولید آمریکا نبود، ولی امروز در بسیاری از شاخص‌های عمده، آمریکا را در پشت بزرگدارده‌است.

با این همه، رشد تولید صنعتی مهم‌ترین دستاورد اتحاد شوروی طی ۶۰ سال موجودیت آن نیست. به عقیده تمام ناظران بی‌طرف، معجزه سوسیالیسم را قبل از هر چیز باید در ترقی فرهنگی و معنوی جامعه، بویژه ترقی فرهنگی خلق‌های آسیایی اتحاد شوروی جستجو نمود. مثلاً نسبت سرانه دانش‌موختگان مدارس عالی در جمهوری‌های شوروی از پاکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان از کشورهای پیشرفته اروپای غربی بالاتر است. در این جمهوری‌ها به هر ۲۵-۲۷ نفر یک پزشک می‌رسد. می‌توان دهها رقم دیگر از این قبیل ذکر نمود. و همه این دستاوردها، در برابر کوهی از دشواری‌های تصویرناپذیر، که دنیای امپریالیسم طی این شصت‌سال بر سر راه اتحاد شوروی آورده و می‌آفریند، حاصل شده است.

امروز امپریالیسم ناتوان‌تر از آن است، که بتواند با دنیای سوسیالیسم به زیان "اولد ووم-بولدوم" صحبت کند. اما شصت‌سال پیش، توازن کنونی شیوه‌ها بین دو نظام اجتماعی وجود نداشت. اتحاد شوروی تنها کشور سوسیالیستی جهان بود، که دوران جنگ‌های متند خارجی و داخلی و از اسر گزاندن بود و از برآپایش خون و ویرانی می‌چکید و دنیای امپریالیسم هر روز بر سر راه آن مانع تازم می‌آفرید. هنوز چند ماهی از تشکیل اتحاد شوروی نگذشته بود، که دولت انگلستان طی اولتیماتومی از اتحاد شوروی خواست، که روابط سیاسی اش را با ایران بافغانستان قطع کند و نمایندگان دیپلماتیک خود را از این کشورها احضار کند.

از همان نخستین روز تاسیس دولت اتحاد شوروی، اخلال در

اوپک آزمایش دیگری را از سر گذرانید

جلسات اوپک همیشه نظر محافل امپریالیستی را به خود جلب کرده و می‌کند. کنفرانس اخیر اوپک در وین نیز از این جهت استثنا نبود. در آستانه تشکیل کنفرانس وین، رسانه‌های امپریالیستی از وجود "اختلافات لاینحل" در درون اوپک، که ناگزیر منجر به "انحلال" این سازمان خواهد شد، سخن می‌گفتند. از قول عربستان سعودی، کویت و امارات متحده نقل می‌کردند که تصمیم دارند، در رقابت با ایران بهای نفت خود را چند دلار در شبکه کاهش دهند. زوزنامه‌های آمریکا و سخنگویان انحصارات نفتی باخرسندی اطلاع می‌دادند، که وحدت اوپک بر سر تعیین سهمیه تولید به خطر افتاده است. تحریرات امپریالیستی در داخل اوپک نیز ادامه داشت. با این همه، علی‌رغم برخی اختلافات، اوپک به عنوان یک سازمان مهم اقتصادی کشورهای رو به رشد، که در برابر سیاست غارتگرانه انحصارات نفتی به صورت جمعی ایستادگی می‌کند، آزمایش دیگری را از سر گذرانید و نشان داد که در مجموع به آگاهی و وقوف لازم برای برهم زدن توطئه‌های امپریالیستی دست یافته است.

در کنفرانس اوپک مهم‌ترین مسئله، که همانا بقای سازمان بود، مورد تردید قرار نگرفت. برخی از کشورهای عضو، از جمله ایران، در حفظ این وحدت نقش مهمی ایفا کردند و توانستند در عین نگاهداری این سازمان، بر دیکتاتوری عربستان سعودی در اوپک، که تمام سیاست‌های نفتی خود را بر پایه حفظ منافع دنیای امپریالیسم تنظیم می‌کند، ضربت حساسی وارد کنند. در آستانه کنفرانس، صدای آمریکا گفت که عربستان تطویحا اعلام کرده است که ممکن است در آینده، بدون توجه به اوپک، راسا میزان تولید و قیمت فروش را تعیین کند. اما عربستان سعودی نتوانست این رهنمود محافل نفتی را در کنفرانس اوپک پیاده کند. چو صد آمریکا در کنفرانس و تمام منطقه نفت خیز خلیج فارس نبرمندتر از آن است، که دیگر زکی بمانی بتواند در کنفرانس‌های اوپک دست‌ها را به کمر بزند و برای همه تکلیف مین کند. امروز دوستی با آمریکا چیزی جز ننگ و سرشکنگی برای مدعیان آن، به بار نمی‌آورد. کنفرانس وین یک بار دیگر این را ثابت کرد، که بازگرداندن آب به جوی سابق به این آسانی‌ها ممکن نیست.

از

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

- ۱- حزب توده ایران و مسائل مبین انقلابی ما (مجموعه مقالات، معاصره‌ها و سخنرانی‌های رفیق نورالدین گیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۷)
- ۲- جهان گتونی و مسائل آن

از انتشارات سازمان جوانان توده ایران منتشر شد:

بسم نورتونی، بسم انسان‌کش

روابط کشورهای خاوری با این دولت نوییاد، و به سنگ‌پایه سیاست‌های امپریالیستی تبدیل شده است، و متأسفانه همیشه نیز دولت‌های امپریالیستی در این کشورها دستیارانی برای خود یافته‌اند. در حالی که امپریالیسم بزیاتیا و سپس ایالات متحده آمریکا تمام ثروت‌های ملی ما را طی نیم قرن غارت می‌کردند، انگشت رضاشاه و محمدرضاشاه همیشه همسایه شمالی را نشانه گرفته بود، و اکنون نیز کسانی که خواستار بازگشت به همان سیاست شاهنشاهی هستند، در محافل ذینفوذ کم‌نیستند. عواقب هلاکت‌بار این سیاست، در شرایطی که ابرهای تیره مداخله امپریالیستی در آسمان مبین ما و تمام منطقه خاورمیانه و نزدیک هر روز مترکم‌تر می‌شود، بر آگاهان پوشیده نیست.

آمریکا حضور نظامی خود را در منطقه توسعه می‌دهد

به دنبال اعلام تشکیل "سفرماندهی مرکزی آمریکا" که منطقه عملیاتی آن مصر، اسرائیل، عراق، ایران، عربستان سعودی و پاکستان را دربر می‌گیرد، خبرگزاری‌های خارجی اطلاع دادند که ضیاالحق، در جریان دیدار اخیرش از آمریکا، موافقت کرده است، که این "سفرماندهی" ایستگاه‌های الکترونیکی خود را برای ردیابی عملیات نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس، در خاک پاکستان مستقر کند. این ایستگاه‌ها قادرند از کشورهای که در منطقه عملیاتی "سفرماندهی مرکزی" قرار می‌گیرند، اطلاعات جاسوسی جمع کنند. صحت کارشناسی آمریکایی برای تاسیس اداره این ایستگاه‌ها به پاکستان اعزام می‌شوند. از سوی دیگر، آمریکا حضور نظامی خود را در صحرای سینا، لبنان، عمان، سومالی، عربستان سعودی، ترکیه و برخی از کشورهای دیگر منطقه تقویت کرده است. هدف اصلی آمریکا از گسترش بی‌سابقه حضور نظامی خود در این منطقه، جلوگیری از هرگونه تحول انقلابی و، یا به قول خودشان، برهم خوردن "توازن سیاسی" در منطقه است. هم‌زمان با فشار نظامی، که از سوی آمریکا و اسرائیل هم پیمانان اروپایی آنان بر کشورهای ضدامپریالیستی منطقه وارد می‌شود، نبرد دیپلوماتیک وسیعی نیز برای درهم شکستن مقاومت نیروهای مترقی و میهن‌دوست در کشورهای عرب آغاز شده است. دیپلوماسی آمریکا می‌کوشد که با بسیج نیروهای طرفدار خود، نیروهای ضدامپریالیستی و در راس آنها سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را منزوی کند و آنها را به قبول سیاست خود، که رئوس آن در طرح کدابی "صلح ریگان" شرح داده شده است، وادار سازد.

سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را متهم می‌کنند، که "دست‌نشانندگان" شوروی هستند و با برقراری هرگونه "صلح" در منطقه مخالفتند. از سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین می‌خواهند که نیروهای خود را از خاک لبنان خارج سازند، بدون آن که برای نیروهای اسرائیل تعهد و تکلیفی مین کنند. از سازمان آزادی‌بخش فلسطین می‌خواهند که از فکر داشتن یک دولت مستقل صرف‌نظر کنند و خود مختاری اداری در چارچوب فدراسیون با اردن را بپذیرند.

ولی سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در عالی‌ترین مراجع تصمیم‌گیری خود اعلام داشتند، که در برابر هیچ‌یک از این مانورهای سیاسی و فشارهای نظامی تسلیم نخواهند شد. سازمان آزادی‌بخش فلسطین در اجلاس کمیته اجرایی خود و حزب بعث سوریه در پلنوم اخیر کمیته مرکزی خود، اعلام نمودند که نبرد با امپریالیسم و صهیونیسم را، به‌انگه قدرت لایزال خلق و پشتیبانی بی‌دریغ دنیای سوسیالیسم، تا پیروزی نهایی ادامه خواهند داد. کمیته مرکزی حزب بعث سوریه در اعلامیه پایانی خود نوشت که دوستی و برادری با اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی، پایه سیاست اصولی سوریه را در مبارزه به‌خاطر آزادی و استقلال ملی و رهایی از ستم امپریالیستی تشکیل می‌دهد.

رهبران سوریه و سازمان آزادی‌بخش فلسطین به تجربه‌مند خود به‌خوبی درک کرده‌اند، که در برابرشان دوره بیشتر وجود ندارد: یا تسلیم و همکاری با اسرائیل و آمریکا، راهی که سادات خائن برگزید، و با همبستگی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و انقلابی و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، که تنها راه تامین استقلال و آزادی است.

حزب بعث سوریه به‌رهبری حافظ اسد، به‌دلیل همین شناخت درستش از جهان گتونی، توانسته است تاکنون نقش تاریخی ارزنده‌ای در مبارزه تمام خلق‌های عرب برضد تجاوز امپریالیستی ایفا کند، و تا زمانی که سوریه این سیاست را ادامه می‌دهد، امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانندگان آن در اسرائیل، هرگز نمی‌توانند سلطه خود را بر منطقه تحمیل کنند. مقاومت سوریه در برابر فشار سیاسی و نظامی امپریالیسم و صهیونیسم بی‌تردید روح ایستادگی را در سایر خلق‌های عرب نیز بر خواهد انگیزد، که این خود یگانه ضامن عقیم ماندن تمام طرح‌های امپریالیستی - صهیونیستی است.